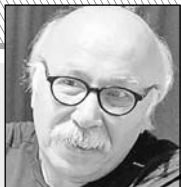


روایت علیرضا داوودنژاد از سانسور اینستاگرام



بار سوم پست را ارسال کردم، پست در اینستاگرام خودم هست اما برخی از دوستان می‌گویند که این پست را نمی‌توانند ببینند این احتمال را می‌دهم که این پست توسط اینستاگرام حذف شده باشد، البته این را هم باید بگویم از هشتگی هم برای این پست استفاده نکردم. وی تأکید کرد: این حذف برای من بسیار عجیب بود و به نوعی می‌توان آن را یک سانسور در فضای مجازی دانست. مسئله جالب این است که صفحه من در اینستاگرام به‌روز هم

وقتی در ادبیات افرادی مانند محمدرضا شفیعی کدکنی کم داریم

در محضر استاد



مرز دیوانگی کشیده شده اند.

۲- در سالهای آغازین دهه هشتاد که زمان دانشجوییم را سپری می‌کردم، در یکی از کلاس‌ها استاد ریاضی مان در زمان آنراکت کلاس جمله‌ای گفت که صدایش هنوز در گوشم است. آن زمان استاد در دانشگاه، ادبیات تدریس می‌کرد، استادی که دانشجویان می‌شکستند، به این مفهوم که همه تلاش می‌کردند هر طور شده در آن کلاس حاضر شوند و در آن کلاس درس می‌گرفتند. با این توضیح طبیعی سست که کلاس ادبیات آن استاد خاص نیز گاه و بیگاه چند دانشجویی غایب داشته باشد اما اصلا اینگونه نبود، کلاس استاد نه تنها در هیچ ترمی حتی یک شاگرد غایب هم نداشت، بلکه برخی از دانشجویان که در آن ساعت خاص کلاس دیگری نداشتند با اجازه استاد به عنوان مهمان سر درس ادبیات آن حاضر می‌شدند. خود من افتخار این را نداشتیم که در کلاس درس آن استاد شاگردی کنم به همین دلیل همواره با خود می‌گفتم چرا کلاس درس او این همه دانشجویست؟ تا آنکه در آن روز خاص استاد ریاضی مان با گفتن آن جمله پاسخ این پرسش را داد. او گفت: «بچه‌ها می‌دانید یکی از بزرگترین آرزوهای من چیست؟ اینکه روزی در این دانشگاه یکی از کلاسهایم برگزار نشود و این فرصت برای من مهیا نشود که بروم با اجازه استاد ادبیات سر کلاس او و به عنوان دانشجو بنشینم و شاگردی کنم. می‌دانید چرا؟ به این دلیل که او در کلاسهایش زندگی را می‌آموزد، آنقدر ادبیات را خوب درس می‌دهد که حتی پس از پایان وقت کلاس دانشجویان دوست ندارند کلاس را ترک کنند.»

۳- حتماً اکثر شما آن عکس مشهور او دیده‌اید که پیرمردی عینکی در حالیکه لیخنه ملیحی بر چهره دارد پشت یک میز در یک کلاس درس نشسته و مقابلش جوانان زیادی پشت نیمکت‌ها و حتی روی زمین نشسته‌اند و مشغول گوش کردن به سخنان او هستند. آن عکس مشهور هم تصویری ست که مرا برای این گزارش انتخاب ایم. او را می‌شناسید؟ نام ایشان در روتیتر این نوشتار آمده است. استاد محمدرضا شفیعی کدکنی. او یکی از بی‌نظیرترین اساتیدی ست که یک دانشگاه می‌تواند در تمام طول دوران پابرجا بودنش به خود ببیند، در آن دردهای که هر جایی را بگذرد نمونه‌اش را پیدا نمی‌کند. متین، آرام، کاربلد، دوست داشتنی، مهربان، عاشق، دانا، سر به زیر، بی‌دعا، خاکی و... خصوصیات کدکنی بیشمار است. آنقدر پیشمار که حد و حساب ندارد، هر کدام از این خصوصیات هم در بالاترین درجه خود در وجود او قرار دارد. با این حال او هنگامی که سخن می‌گوید تو به عنوان یک مخاطب هر چقدر هم خصوصیات دیگر او را نادیده بگیری باز هم عاشقش خواهی شد. او ادبیات را به زندگی‌ترین حالت ممکن درس می‌دهد. افتادگی و بی‌دعایی او آنقدر زیاد است که روزی گفته بود: «من از روی این جوانانی که از راهای دور می‌آیند تا سر کلاس من بنشینند و به مزخرفات من گوش

تربیتی معیریان از بیمارستان

جلال‌الدین معیریان پس از حدود یک ماه بستری بودن در بیمارستان به دلیل ابتلا به کرونا به منزل بازگشت. بابک معیریان - فرزند این طراح چهارپروازی نامدار سینما - گفت: خوشبختانه روز شنبه پدرم که بیش از ۲۰ روز در بیمارستان بستری بود ترخیص شد و اوضاع عمومی‌شان خیلی بهتر است. او با اشاره به اینکه درگیری ریه با کرونا کاملاً رشفه شده افزود: از این پس باید مراقبت و فیزیوتراپی (ریه) در منزل انجام شود و همین که به خانه برگشته‌اند برای ما جای شکر و خوشحالی زیادی دارد. به گزارش ایسنا، او ۱۲ آبان‌ماه به دلیل مبتلا شدن به کرونا در بیمارستان بستری شد و با وجود ۸۰ درصد درگیری ریه در مقطعی، بخاطر مساعد نبودن روند درمانی به بیمارستان دیگری منتقل شد.

فریدون آسرایلی:

تنها حرفم با مردم حفظ پروتکل‌های بهداشتی است



کرده و آنها را منتشر کرده‌اند اما در نهایت کار دیگری نمی‌شود انجام داد. این خواننده در این باره که موسیقی به سمت ضعیف

usef.poet@gmail.com

فرهنگی

نمی‌شود. به گزارش مهر، داوودنژاد در بخشی از پست اینستاگرامی خود در واکنش به ترور شهید محسن فخری‌زاده چنین نوشته بود: «مملکتی که بنیه دفاعی قوی نداشته باشد باید بازی را واگذار کند ولی اگر بخواهد در بازی اثرگذار باشد باید بنیه دفاعی قوی و توان بازدارندگی مناسب داشته باشد و دستیابی به این بنیه و توان معمولاً با مقاومت و کارشنکی قدرت‌هایی که از پیش توان بازدارندگی دارند مواجه می‌شود...»

خیلی‌ها فکر می‌کنند صرف اینکه آموزش می‌دهند کارشان را انجام داده‌اند اما تجربه وجود اساتید برجسته‌ای مانند استاد محمدرضا شفیعی کدکنی در جامعه دانشگاهی ما نشان می‌دهد که مهم آموزش دادن نیست، بلکه آنچه از آموزش دادن مهم‌تر است چگونگی انجام این کار است که اگر چنین نبود هیچ فرقی میان دانش‌آموزانی که آن معلم خاص تربیت کرده با دانش‌جویانی که استاد کدکنی تربیت کرده وجود نداشت. در حالیکه می‌بینیم تفاوت میان این دو از زمین تا آسمان است

کنند، خجالت می‌کشم، چرا که من چیزی ندارم به آنها بیاموزم» افتادگی را ببینید، در و مروریدهایی که از زبانش خارج می‌شود را به مزخرفات تعبیر می‌کنند، مگر می‌شود سخنان دانشمندی مانند او که تمام ادبیات را یکپسره سرکشیده مزخرف به حساب آورد؟ اگر مزخرف بود که اینهمه شاگرد سر کلاسش نمی‌نشستند، پشت نیمکت‌ها، روی زمین. اگر مزخرف بود که اینهمه چشم به او خیره نمی‌شد؟ بروید سرچ کنید هنگامی که او وارد دانشگاه می‌شود یا هنگامی که کلاس او تمام می‌شود دانشجویان ول کنش نیستند. تا او را بر آستان در ورودی دانشگاه می‌بینند مشتاقانه به سمتش می‌روند و تا دم در کلاسش همراهش می‌شوند و جالب اینکه در آن لحظه‌ها سوال بارانش می‌کنند تا در این فرصت مغتنم هم از او چیز بیاموزند و شگفتا که او با مهربانی و آن لیخنه بی‌نظیرش پاسخ همه را می‌دهد.

۴- حال به آغاز این گزارش برگردید و معلمی را که با تدریسش موجبات بی‌زاری دانش‌آموزانش از ادبیات را فراهم آورد به اساتیدی که در دانشگاه ما ادبیات تدریس می‌کرد و آرزوی ادبیات ریاضی ما بود که به عنوان دانشجو سر کلاس او شاگردی کند، مقایسه کنید. حال آن معلم را با استاد بی‌نظیری مانند محمدرضا شفیعی کدکنی مقایسه کنید، آنگاه درخواهید یافت که ادبیات مسئله‌ای نیست که حتی بدسلیقه‌ترین آدمها از آن بدشان بیاید. شعر موضوعی نیست که حتی بی‌سلیقه‌ترین افراد دوستش نداشته باشند و شاعری هنری نیست که کسی بخواهد به آن لعنت بفرستد. تفاوت فقط در سبک کاری کسانی است که در حوزه آموزش ادبیات در مدارس و دانشگاه‌ها فعالیت می‌کنند. یکی می‌شود معلمی که به این دلیل که به کارش که همان تدریس ادبیات است عشق ندارد و آن را بلد نیست، شاگردانی بی‌زار از ادبیات و شعر و شاعری تربیت می‌کند که حاضر می‌شوند به شاعران لعنت بفرستند و دیگری می‌شود اساتیدی مانند محمدرضا شفیعی کدکنی که در هر قسمی که بر می‌دارد یک دانشجو از پشت درخت، دیوار، تیر چراغ برق بیرون می‌آید دنبال او راه می‌افتد بلکه مطلب جدیدی از او بیاموزد که منصفانه اگر بنگریم حتی راه رفتن چنین اساتیدی در خیابان هم نوعی کلاس درس است. بنابراین آنچه بیان شد نشان می‌دهد که ادبیات فی‌القیسه موضوعی نیست که شرایط بی‌زاری جستن عده‌ای از خودش را پدید آورد. همانطور که اشاره شد تفاوت در سبک آموزش افرادی مشخص می‌شود که سر کلاس‌های درس می‌نشینند و ادبیات را به بقیه آموزش می‌دهند. خیلی‌ها فکر می‌کنند صرف اینکه آموزش می‌دهند کارشان را انجام داده‌اند اما تجربه وجود اساتید برجسته‌ای مانند استاد محمدرضا شفیعی کدکنی در جامعه دانشگاهی ما نشان می‌دهد که مهم آموزش دادن نیست، بلکه آنچه از آموزش دادن مهم‌تر است چگونگی انجام این کار است که اگر چنین نبود هیچ فرقی میان دانش‌آموزانی که آن معلم خاص تربیت کرده با دانش‌جویانی که استاد کدکنی تربیت کرده، وجود نداشت. در حالیکه می‌بینیم تفاوت میان این دو از زمین تا آسمان است. شاگردان اولی به ادبیات و شعر و شاعری لعن و نفرین می‌کنند و شاگردان دومی حتی سبالت پس از فارغ التحصیل شدن باز هم دوست دارند یک بار دیگر نشستند پای محضر استادی مانند محمدرضا شفیعی کدکنی را تجربه کنند. اما نکته مهم و حیاتی که وجود دارد و تحت هیچ شرایطی نباید آن را نادیده گرفت این است که گوهرهای نابی مانند استاد محمدرضا شفیعی کدکنی که به واقع ادبیات امروز و آنچه از این ادبیات برای آیندگان به یادگار می‌ماند تا حد بسیار زیادی وامدار آنهاست و به واقع اندک و انگشت شمرانده، مسئله‌ای که نشان می‌دهد ما

در این حوزه بسیار مهم در پایین‌ترین حد ممکن کار کرده و نیرو تربیت نموده ایم. حال اینکه چرا ادبیات ما از معطل بزرگ کمبود اساتیدی مانند محمدرضا شفیعی کدکنی رنج می‌برد را باید کسانی پاسخ دهند که سالها در حوزه فرهنگ فعالیت کرده‌اند و حتی به اندازه نیم تگاهی به این موضوع بسیار مهم توجه نشان نداده اند.

مجید مجیدی به چین می‌رود

سومین دوره فستیوال فیلم «های‌نان» از پنجشنبه تا دوازدهم دسامبر، برابر با ۱۵ تا ۲۲ آذرماه با همکاری دولت محلی ایالت «خای‌نان» و تلویزیون مرکزی جمهوری خلق چین برگزار می‌شود. این جشنواره، امسال میزبان فیلم‌هایی از ۱۱۴ کشور است که از این میان، دو فیلم «خورشید» مجید و «بندر بند» میزبه حکمت به روی پرده می‌رود. پیش از ۴۳۷۶ فیلم به این فستیوال رسیده است که از بین آن‌ها ۱۸۹ فیلم، نمایش داده خواهد شد. به گزارش ایسنا، مجید و همسرش با عنوان رئیس هیئت داوران و به دعوت جشنواره فیلم «های‌نان»، به چین سفر کرده و قرار است مستر کلاسی را برگزار کنند. سال گذشته، اصغر فرهادی به همراه سینماگرانی از کشورهای دیگر کلاس تخصصی را برگزار کردند.

شدن می‌رود یا در حال قوی‌تر شدن است افزود: نه تنها موسیقی بلکه تمام فعالیت‌های هنری ایستاده‌اند اما در خصوص موسیقی بیشتر صدق می‌کند. ولی باید کمی صبر کنیم تا ببینیم بعد از کرونا قرار است چه پیش بیاید. به گزارش برنا او در پایان گفت: کرونا یک امر بسیار خطرناکی است درواقع تا زمانی که به این ویروس مبتلا نشده‌اید متوجه ی آن نیستید و با شجاعت به هر مکانی می‌روید اما هنگامی که گرفتار این بیماری شوید متوجه می‌شوید که چه اتفاق بدی را تجربه کرده‌اید درواقع زمانی که به آن مبتلا می‌شوید حاضر هستید که دوباره سلامتی خود را به دست بیاورید الان تنها حرفی که با مردم دارم این است که پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنند زیرا سلامتی از هر چیزی مهم‌تر است.

شهرنشان

سینماگران خطاب به شهید فخری‌زاده: کاش به قدر بدخواهان می‌شناختیمت

جمعی از هنرمندان و سینماگران در پی ترور ناجوانمردانه شهید محسن فخری‌زاده از دانشمندان هسته‌ای کشورمان در بیانیه‌ای عنوان کردند که به این شخصیت برجسته افتخار می‌کنند. به گزارش مهر، در متن این بیانیه آمده است: به نام خدا خطاب به تویی که نمی‌شناختمت خبر ترور ناجوانمردانه‌ات را شنیدیم و افسوس خوردیم که چرا به قدر بدخواهان میهن‌مان تو را نمی‌شناختیم. کمی دیر شده ولی به پاس یک عمر تلاش علمی بی‌منت و بی‌پام و نشان برای اقتدار کشور عزیزمان ایران، به تو افتخار می‌کنیم. روح‌ت شاد



رویدادهای هنری

پایان ضبط «خوره» فیلمبرداری فیلم سینمایی «خوره» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی حسین قاسمی جاسمی بر اساس فیلمنامه‌ای از مهدی معمارزاده زنجانی بعد از وقفه‌ای طولانی به دلیل شیوع ویروس کرونا به پایان رسید. بخش عمده‌ای از فیلمبرداری فیلم سینمایی «خوره» با نام قبلی «وثیقه» پاییز و زمستان سال گذشته انجام شد، اما به دلیل شیوع ویروس کرونا متوقف شد. پس از گذشت نزدیک به یک سال، ساکن‌های باقی‌مانده از این فیلم سینمایی نیز اوایل پاییز امسال فیلمبرداری شده است و «خوره» وارد مراحل پس از تولید شد. به گزارش مهر، خلاصه داستان «خوره» آمده است: «مهران بعد از ۱۰ ماه بازداشت با قرار وثیقه شخصی به نام حدیدی که اعتقاد دارد او بی‌گناه است، به‌طور موقت آزاد می‌شود، اما ناگهان خود را در یک باند تبهکار می‌یابد.»



●●●●

جایزه برای «پوتاکس»

سی و هشتمین دوره از جشنواره بین‌المللی تورین در کشور ایتالیا در حالی به کار خود پایان داد که فیلم «پوتاکس» به کارگردانی کاوه مظاهری دو جایزه بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه این رویداد سینمایی را به خود اختصاص داد. فیلم «پوتاکس» اولین فیلم بلند کاوه مظاهری در بخش مسابقه فیلم بلند جشنواره تورین به عنوان نماینده سینمای ایران حضور داشت. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «اکرم و آذر به همه می‌گویند که برادرشان قاچاقچی به آلمان رفته و فعلاً آزش خبری ندارند. به‌مرور این «دروغ» در ذهن اکرم به یک واقعیت تبدیل می‌شود، تا حدی که شبانه‌روز را در انتظار برگشتن برادرش از آلمان، سپری می‌کند.» به گزارش ایسنا، سی و هشتمین دوره از جشنواره بین‌المللی تورین از ۲۰ تا ۲۸ نوامبر (۲۰ آبان تا ۸ آذر) در شهر تورین ایتالیا به صورت آنلاین برگزار شد.



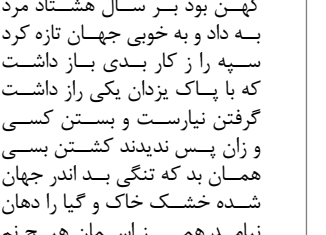
کوتاه‌ها هنر

«دودکش ۲» ساخته می‌شود

فصل دوم سریال «دودکش» در سکوت خبری مقدمات تولید خود را پشت سر می‌گذارد و سازندگان تصمیم دارند به زودی کار را در جایی به غیر از تهران کلید بزنند. به گزارش تسنیم، سریالی که نخستین بار به کارگردانی محمدرحیم لطیفی و تهیه‌کنندگی زینب تقوایی در ماه رمضان سال ۱۳۹۲ روی آنتن شبکه یک رفت و با توجه به مضمون کم‌دی و تکیه کلام‌های جذاب توانست در رده آثار پرمخاطب جای بگیرد.

شاهنامه‌خوانی

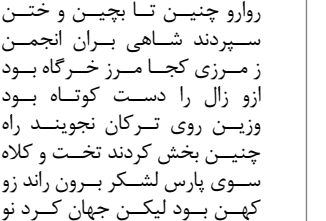
پادشاهی زوطهماسپ (پادشاهی او پنج سال بود) ششی زال بنسخت هنگام خواب سخن گفت بسیار ز افراسیاب هم از رزمزن نامداران خویش و زان پهلوانان و یاران خویش همی گفت هر چند کز پهلوان بود بخت بیدار و روشن روان بیايد یکی شاه خسرو نژاد که دارد گذشته سخنها بیايد به کردار کشتیست کار سپاه همنش باد و هم بادبان تخت شاه اگر داری طوس و گسستم فر سپاهست و گردان بسیار مر نزیسد بریشان همی تاج و تخت بیايد یکی شاه بیدار بخت که باشد بدو فره ایزدی تاباید ز دیهم او بخردی ز تخم فریدون بچستند چند یکی شاه زیبای تخت بلند ندیدند جز پور طهماسب زو که زور کیان داشت و فرهنگ گو بشد قارن و موبد و وزیران سپاهی ز بامین و ز گرزبان یکی میزد برند نزدیک زو که تاج فریدون بتو گشت نو سپهدار تاج و یک سر سپاه ترا خواستندی ای سزاور گاه بوشنید زو گفته موبدان همان گفته قارن و بخردان بیامد بنزدیک ایران سپاه بسر بر نهاده کیانی کلاه بشاهی برو آفرین خواند زال نشست از بر تخت زو پنج سال کهن بود بر سال هشتاد مرد به داد و به خوبی جهان تازه کرد سپه را ز کار بدی باد داشت که با پاک یزدان یکی راز داشت گرفتن نیارست و بسنت کسی از پس ندیدند کشتن بسی همان بد که تنگی بد اندر جهان شده خشک خاک و گیا را دهان نیامد همی ز آسمان هیچ نم همی بر کشیدند نان با دم دو لشکر بر آن گونه تا هشت ماه بروی آندر آورده روی سپاه نکرندند یک روز جنگی گران نه روز یلان بود و زرم زمان ز تنگی چنان شد که چاره نماند سپه را همی بود و تاره نماند سخن رفتشان یک بیک همزمان که از ماست بر ما بد آسمان ز هر دو سپه خاست فریاد و غو فرستاده آمد بنزدیک زو که هر بهر ما زین سزای سبج نیامد بجز درد و اندوه و رنج بسا تا بخشیمی روی زمین سزایم یک با دگر آفرین سر نامداران تهی شد ز جنگ ز تنگی نند روزگار درنگ بران بر نهادند هر دو سخن که در دل نداشتند کهن بخشند گیتی برسم و بداد ز کار گذشته نیارند یاد ز دریایی پیکند تا مرز تور از آن بخش گیتی ز نزدیک دور ووارو چنین تا بچین و ختن سرندند شاهی بران انجمن ز ممری کجا مرز خرگاه بود ازو زال را دست کوتاه بود وزین روی ترکان خنوبند راه چنین بخش کردند تخت و کلاه سوی پارس لشکر بسرون راند زو کهن بود لیکن جهان کرد نو سوی زابلستان بشد زال زر جهانی گرفتند هر یک ببر پر از غلغل و رعد شد کوهسار زمین شد پر از رنگ و بوی و نگر جهان چون عروسی رسیده جوان پر از چشمه و باغ و آب روان چو مردم بدارد نهاد پلنگ بگرد زمانه برو تار و تنگ مهان را همه انجمن کرد زو بدارد بر آفرین خواند نو فراخی که آمد ز تنگی پدید جهان آفرین داشت آن را کلید بهر سو یکی جشنگه ساختند دل از کین و نفرین بپرداختند چنین تا بر آمد برین سال پنج نبودند آگه کس از درد و رنج بید بخت ایرانیان کندرو شد آن دادگستر جهاندار زو



کوتاه‌ها هنر

«لینچ» سریال می‌سازد

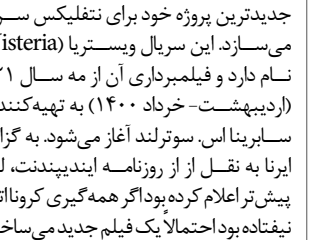
«بویود لینچ» کارگردان سرشناس فیلم‌هایی چون «کله‌پاک‌کن» و «مردفیل‌لما» در جدیدترین پروژه خود برای نتفلیکس سریال می‌سازد. این سریال ویستریا (Wisteria) نام دارد و فیلمبرداری آن از مه سال ۲۰۲۱ (اربدیشت- خرداد ۱۴۰۰) به تهیه‌کنندگی سابرینا سوترلند آغاز می‌شود. به گزارش ایرنا به نقل از روزنامه ایندیپندنت، لینچ پیش‌تر اعلام کرده بود اگر همه‌گیری کرونا اتفاق نیفتاده بود احتمالاً یک فیلم جدید می‌ساخت.



کوتاه‌ها هنر

«لینچ» سریال می‌سازد

«بویود لینچ» کارگردان سرشناس فیلم‌هایی چون «کله‌پاک‌کن» و «مردفیل‌لما» در جدیدترین پروژه خود برای نتفلیکس سریال می‌سازد. این سریال ویستریا (Wisteria) نام دارد و فیلمبرداری آن از مه سال ۲۰۲۱ (اربدیشت- خرداد ۱۴۰۰) به تهیه‌کنندگی سابرینا سوترلند آغاز می‌شود. به گزارش ایرنا به نقل از روزنامه ایندیپندنت، لینچ پیش‌تر اعلام کرده بود اگر همه‌گیری کرونا اتفاق نیفتاده بود احتمالاً یک فیلم جدید می‌ساخت.



کوتاه‌ها هنر